سیدهاشم سدید ۲۰۱۳/۰۵/۱۰

سیاست یا سیاستمدار بد، کدام یک باید مورد نفرت قرار گیرد؟

امروز نوشتهٔ زیبای جناب استاد نگارگر را در دریچهٔ نظریات پورتال افغان جرمن آنلاین، با آن سبک شیرین و خوش آیندی که ایشان می نویسند، مانند همیشه و با اشتیاق خاص خواندم.

مطلب اول نوشتهٔ استاد، مختصر، ولی رسا، مرا به یاد این جملهٔ شان: "خواهشمندم احساسات را کنار بگذارید" که زمانی خطاب به من نوشته بودند، انداخت.

من در آن زمان ضمن بحثی انزجار خود را به دلیل کثافت کاری های عامهٔ سیاستمداران، نسبت به سیاست ابراز داشته بودم.

سال ها از آن زمان می گذرد و این گذشت زمان سبب می شود که بالاخره استاد هم این واقعیت را بپذیرند که سیاست و سیاست بازی ها واقعاً در زمان ما به امر شوخگین و شرم آوری مبدل شده است. می فرمایند: "من نمی خواستم واردِ این بحث شوم زیرا می دانم که در روزگارِ ما سیاست آن بازی کثیف است که با تحریک کردن و به بازی گرفتن احساسات صادقانهٔ مردم کوچه و بازار کشتی خود را به ساحل مراد می رساند. سیاست گر چه همیشه همین بوده است ولی در روزگارِ ما که دیگر نزدِ سیاستمداران این عصر هیچ گونه ارزش اخلاقی سالم باقی نمانده است. دولتمردان رشوه می گیرند و با نوعی افتخار از آن یاد می کنند. یاد گذشته ها به خیر که عرق انفعالی بر جبین ها هویدا می شد اما. . . بگذریم."

یادآوری از آن و این سخن استاد برای آن نیست که کی حق بجانب بود، در آن زمان، و کی حق بجانب نبود. موقف ما دو نفر، وقتی من ایشان را استاد خطاب می کنم، باید مشخص و روشن و معین باشد. هدف این است که در ارتباط با سیاست، باوجود چرکین بودند آن و آلوده بودن سیاستمداران، چه رویه ای را باید پیش گرفت؟ آیا می توان از سیاست کلاً کناره گرفت یا از آن صرف نظر کرد؟

تصور وجود یک فرد، یا یک جامعه غیر سیاسی، برای خیلی از انسان هائی که به طبیعی ترین حالت های بشر پیش رونده و متحول و مولد و در عین حال قسماً ضعیف در برابر برخی از رویداد های طبیعی و غیر طبیعی، و بسط معرفت وی نظر دارند و روابط حتمی الوقوع و مناسبات متقابل انسان ها را که مبتنی بر نیاز مشترک آنها به همدیگر می باشد، نادیده نمی گیرند، اگر بیهوده نگفته باشم، از محالات روزگار خواهد بود.

برخی از اندیشمندان اعتقاد بر این دارند که از همان زمانی که دو یا چند انسان برای بهره بردن بیشتر و بهتر از زندگی کنار هم گرد آمدند و کار مشترک را آغاز کردند، سیاست، هر چند به نوعی ابتدائی و ناپختهٔ آن، به روابط فردی و اجتماعی آنها حاکم شد.

بنیاد چنین سیاستی در آن زمان، زمانی که گروه های کوچک انسانی یکجا نشینی را آغاز کردند، با همه سادگی و معرفت کم آن‌ها، بر روی نوعی از نیت و تفکر نیکو و خواست سازنده و مثبت ابتدائی گذاشته شده بود.

هدف از این سیاست در جوامع بدوی و اولیه حظ و بهره بردن یکسان همهٔ اعضای جامعه از زندگی و کار مشترک گروه بود؛ و از آنچه در اثر تلاش بی شائبه، کوشش صادقانه و نیات خالصانهٔ همه بدست می آمد. همه، پیر و جوان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

و زن و مرد، برای خوشی و آرامی و امنیت همدیگر کار می کردند. بالا و پائین و کم و بیشی هم در کار نبود؛ و طبقاتی هم وجود نداشت.

این حالت، اما، به دلیل قوت بیشتر خصائص منفی بشری در سرشت وی، و چیره شدن نسبی اش بر موانع گوناگون و تهدیدات مختلف و پیدایش استقلال و گرایش های بیشتر به خود و خود را بر دیگران ترجیح دادن و برتر دیدن و به فکر آسایش بیشتر خود نسبت به سائرین شدن، دیری نپائید.

آن نظم و نظام و آن آراستگی و پیراستگی و صفای ابتدائی و طبیعی و خوش آیند، در نتیجهٔ پیدایش چنین اندیشه های متضاد و من و تو، دیر یا زود باید برهم می خورد.

علوم و تجربه های تأریخی ـ عملی انسان هم نشان مي دهد که در بطن یک مرحله، در اثر همین تقابل و تضاد، نطفه های مراحل دیگری تدارک دیده می شود و هیچ حالتی پایدار نمی ماند، اما چنین نطفهٔ کثیفی که ما امروز در کشور خود شاهد آن هستیم، شاید برای هیچ انسانی قابل پیش بینی نبوده باشد.

انتظار و امید این بود (و است) که رشد آگاهی و معرفت انسانی جوامع بشری را بسوی بهروزی بیشتر سوق خواهد داد، اما با تأسف این انتظار و امید سرابی بیش نبود.

حال، باوجود همهٔ این سخنان، این سؤال را که "آیا می توان از سیاست کلاً کناره گرفت؟" دوباره مطرح میکنم. جواب شخص من با همه انزجاری که فعلاً از آن دارم این است که سیاست را نمی توان و نباید به گوشه ای گذاشت و بدست فراموشی سپرد و از آن کناره گرفت. زیرا سیاست فی نفسه امری بد و خطرناک یا خوب و سودمند نیست. خوب و بد بودن سیاست، مانند خوب و بد بودن کاردی، مربوط به شخصی است که آن را بکار می برد. اگر یک جراح و یک آدم کش را در نظر بگیریم، خواهیم دید که یکی آن را برای نجات انسان از مرگ بکار می برد و دیگری آن را برای گرفتن زندگی انسانی.

برای اجرای امور جاری جوامع، امروز انسان ها ناگزیر به داشتن دولت هستند. ایجاد مناسبات معقول و عادلانه و تأمین امنیت جانی و مالی و رفع تعارضات و تخالفات انسان ها در یک جامعه، بدون اداره و کنترول یک مرجع عالی و صاحب اقتدار قطعاً ممکن نیست. هیچ جامعه ای، ولو هر قدر سازمان یافته و انسانی، بدون حکومت و اداره و کنترول نمی تواند وجود داشته باشد و اگر کوششی هم در راه ایجاد آن بعمل آید، چنان جامعهٔ نمی تواند بدون حکومت به موجودیت خود ادامه بدهد. و حکومات برای پیشبرد، هدایت و کنترول امور جاری کشور به شیوه های کار عملی و نظری ای ضرورت دارند که ما آنرا سیاست می نامیم.

ساده تر بگویم که وجود تعارضات در اثر تمایلات انسان ها به ثروت و منزلت و قدرت در جامعه است که نیاز به یک دستورالعمل ـ سیاست ـ را برای افراد و جوامع بشری برجسته می سازد.

سیاستی را که بر وفق قوانین خوب و توسط سیاستمداران درستکار و امین و پیرو قانون پیش گرفته شود، نباید نفرین کرد. کسی که سیاست را در نظر مردم منفور می سازد، سیاستمدار افزون طلب، دیوانه و زشت کرداری است که با اعمال حقیر خود نه تنها خود را، که سیاست را هم در نظر برخی از مردم بی ارزش و یک چیزغیرقابل می سازد.

به عنوان ختام کلام: بجای تاختن به سیاست باید به سیاستمدارانی تاخته شود که این ضرورت حتمی ـ سیاست ـ را در انظار مردم به چیزی بسیار ناپسند و گاهی هم منزجر کنندهٔ تبدیل کرده اند. اگر با این سخن من موافق نیستید، برخیزید و اداره و اقتدار و حکومت و دولت را بدست افراد درست اندیش و درست کردار بسپارید و ببینید که کدام

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

سخن درست است؛ اگر تجارب گذشته و کارنامه های سیاست مداران خوب و نسبی خوب قبلی خود را فراموش نموده باشیم!!

پایان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ